



بررسی ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل در مبارزه با قاچاق زنان

رویا فرزین راد^۱

۱. استادیار فقه و حقوق خصوصی، گروه معارف اسلامی، دانشکده عقیدتی سیاسی، دانشگاه علوم انتظامی امین. r.farzinrad@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: به رغم پیشرفت قابل ملاحظه حقوق زنان در نظام حقوقی بین‌المللی، آنان کماکان در معرض جرم‌هایی هستند که سبب نقض و حتی سلب حقوق بنیادین آن‌ها می‌شود. قاچاق زنان یکی از این نمونه‌های آشکار اینگونه جرم‌ها است، که با توجه به ماهیت پیچیده و وصف سازمان‌یافتگی آن، مورد توجه مجامع و کنوانسیون‌های بین‌المللی قرار گرفته است.

روش: پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی به مطالعه اسناد بین‌المللی مرتبط با قاچاق زنان در سطح بین‌المللی می‌پردازد.

یافته‌ها: در سال‌های اخیر توجه به حقوق زنان در گفتمان بین‌المللی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است، به گونه‌ای که اسناد و کنوانسیون‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی متعدد، تدابیری را در حوزه جرم‌انگاری، حمایت کیفری از بزه‌دیدگان و پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان صورت داده‌اند. در تمامی این اسناد قاچاق زنان به عنوان تهدیدی علیه نظم جهانی شناخته شده است.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد حقوق بین‌الملل از ظرفیت‌های قابل توجهی برای مقابله با قاچاق زنان، حمایت از بزه‌دیدگان و پیشگیری از این جرم برخوردار است که البته نیازمند تکامل و پیشرفت است. در این راستا، پروتکل الحاق به کنوانسیون پالمو پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای را در تامین اهداف کشورها برای مبارزه موثر با قاچاق زنان به وجود آورده است. همچنین، استفاده از قابلیت‌های دیوان کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به برخی اقسام قاچاق زنان می‌تواند شیوه کارایی برای مقابله با این بزهکاری سازمان‌یافته باشد.

واژه‌های کلیدی: قاچاق زنان، حقوق بشر، حقوق بین‌الملل، جرم سازمان‌یافته، کرامت انسانی.

◀ **استناد (به شیوه APA ویرایش ۶):** فرزین راد، رویا (بهار و تابستان ۱۳۹۸). بررسی ظرفیت‌های حقوق

بین‌الملل در مبارزه با قاچاق زنان. *دوفصلنامه پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده*، ۷(۱)، ۸۱-۱۰۱.



مقدمه

قاچاق زنان یکی از موضوعاتی است که در ادبیات حقوق بین‌الملل به عنوان یکی از چالش‌های مهم بشری شناخته می‌شود. پیچیدگی، سازمان‌یافتگی و سود بسیار بالای حاصل از ارتکاب این جرم همواره بر تعداد بزهکاران و میزان بزهکاری می‌افزاید، چنان‌که بر طبق گزارش‌های رسمی، آمار وقوع این جرم به صورت سالانه در حال افزایش است. برای نمونه، بر اساس گزارش‌های موجود تعداد موارد قاچاق انسان در سال ۲۰۱۶ در مقایسه با ۲۰۱۱ حدود ۴۰ درصد افزایش یافته است. همچنین، بر اساس آمارهای سازمان ملل ۷۰ درصد از بزه‌دیدگان قاچاق انسان را زنان تشکیل می‌دهند. اگر بر این برآوردهای آماری رقم سیاه این جرم اضافه شود، مشخص خواهد شد که بزه قاچاق زنان نظم بین‌المللی را به مخاطره انداخته است، به گونه‌ای که نمی‌توان کشوری را متأثر از این بزه ندانست. به موازات افزایش سود و پیچیدگی این جرم در سطح جهانی، سالانه اشکال جدیدی از این پدیده مطرح می‌شود و همکاری‌های پلیسی، قضایی و بین‌المللی را برای کشف این جرایم بی‌اثر می‌سازد. در چنین شرایطی، تابعان حقوق بین‌الملل بیش از گذشته در مقابل این جرم احساس نگرانی کرده و برای تدوین و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های مشترک تلاش می‌کنند.

با توجه به تأکید نهادهای بین‌المللی بر ضرورت انجام تدابیر جمعی در مقابله با اشکال قاچاق زنان، اسناد بین‌المللی متعددی تدوین شده و کشورها نیز اقداماتی را در حقوق داخلی خود برای جرم‌انگاری، حمایت از بزه‌دیدگان و پیشگیری از قاچاق زنان انجام داده‌اند. به باور پژوهشگران، نگرانی جامعه بین‌المللی در رابطه با قاچاق زنان نه از حیث نقل و انتقال غیرقانونی زنان میان مرزهای کشورهای مختلف، که بیشتر از بابت تعارض این رفتارها با کرامت انسانی زنان و نقض حقوق بشر است. افزون بر این، پیامدهای بهداشتی و توسعه فقر به واسطه گسترش اینگونه جرایم سازمان‌یافته ضرورت اقدام مشترک دولت‌ها را برای مقابله، پیشگیری و حمایت از بزه‌دیدگان آشکار می‌سازد. در واقع، جدای از آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی حاصل از این موضوع، برای بزه‌دیدگان نیز شرایط بسیار دشواری پس از انتقال به کشورهای مقصد ایجاد می‌شود، به طوری که بسیاری از آن‌ها حتی از حقوق بنیادین خود نیز محروم می‌شوند.

بر اساس ویژگی‌های سازمان‌یافتگی، فراملی بودن و پیچیدگی ابعاد قاچاق زنان، رسیدگی به این موضوع شایسته نظام حقوق بین‌المللی منحصر به فردی است که کلیه ابعاد این جرم، موارد ارتکاب نظام‌مند و بسیار گسترده این جرم را شناسایی، راهکارهای بین‌المللی را برای پیشگیری، مقابله پلیسی و ضمانت اجرای کیفی تدوین و اجرا کند. این در حالی است که به نظر می‌رسد اقدامات انجام‌شده برای مبارزه با قاچاق انسان در حقوق بین‌الملل حتی کم‌رنگ‌تر از قاچاق مواد مخدر باشد، در حالی که موضوع آن انسان است.

ضرورت انجام پژوهش در این حوزه با توجه به ملاحظات فوق به شدت احساس می‌گردد. این موضوع در ایران نیز که از جمله کشورهایی است که به دلایل مختلف از جمله فقر و فشار اقتصادی، ساختار اجتماعی

آسیب‌زا و توسعه نیافتگی و غیره با این مشکل مواجه است، اهمیت دوچندانی خواهد داشت. به موازات این موضوع، بیشتر تحقیقات انجام شده در ایران با تکیه بر مطالعه تطبیقی قوانین ایران و برخی از اسناد بین‌المللی بوده است. برخی از پژوهش‌ها نیز علل و پیامدهای حاصل از قاچاق زنان را به طور کلی بررسی کرده‌اند. در مقابل، هدف پژوهش حاضر شناسایی رویکرد کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی در رابطه با قاچاق زنان و بررسی نقاط قوت و ضعف و میزان همسویی آن‌ها در این حوزه است. همچنین، مقاله بر ظرفیت‌های دیوان کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به برخی اقسام قاچاق زنان تحت عنوان جرایم علیه بشریت نیز تمرکز می‌کند. تأکید بر همین دو جهت، مطالعه حاضر را از سایر پژوهش‌هایی که در این حوزه تاکنون انجام شده است، تمییز می‌دهد. در همین راستا، پرسش‌های پژوهش عبارتند از:

- ۱- رویکرد اسناد بین‌المللی به قاچاق زنان چگونه است و تا چه اندازه پاسخگوی مبارزه با قاچاق زنان است؟
 - ۲- در پرتو قواعد بین‌المللی، تا چه حد می‌توان به معضل و پدیده قاچاق زنان، به عنوان جنایت علیه بشریت نگریست و از راهکارهای بین‌المللی که برای مبارزه با آن در نظر گرفته شده است، بهره جست؟
- آشکار است که پاسخ به پرسش‌های فوق، این امکان را فراهم می‌آورد تا دانشگاهیان و نهادهای علمی بتوانند قوانین داخلی ایران را از این حیث آسیب‌شناسی و از دستاوردهای بین‌المللی در این زمینه استفاده کنند. همچنین، با شناخت اسناد متعدد می‌توان پیشنهادهایی را برای نظام حقوقی بین‌الملل جهت احتساب موارد نظام‌مند قاچاق زنان تحت عنوان جرایم علیه بشریت ارایه کرد.

ادبیات پژوهش: پیشینه و مبانی نظری

پیشینه پژوهش: قاچاق انسان و به طور خاص قاچاق زنان در پژوهش‌های متعددی در حوزه حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل مطرح گردیده است که هر یک با رویکردی ویژه به تحلیل این پدیده پرداخته‌اند، در این‌جا به تعدادی از پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش پرداخته می‌شود:

امیریان فارسانی و رئیسی (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان «قاچاق سازمان‌یافته زنان و پیامدهای ناشی از آن» پیامدهای فردی و اجتماعی قاچاق زنان را تحلیل کرده‌اند. از نظر آنان، پیامدهای فردی شامل مواردی است، همچون تنزل منزلت و شخصیت زن، بهره‌کشی‌های مختلف جسمی و جنسی، برداشتن اندام، سردرگمی در کشورهای دیگر و آینده مبهم، ابتلا به بیماری‌های مختلف جنسی.

عزازاده (۱۳۹۳) نیز در مقاله خود با عنوان «بررسی فقهی حقوقی مقابله با قاچاق زنان با نگاهی به اسناد بین‌المللی» به این نتیجه رسیده که در نظام عدالت کیفری ایران صرفاً بر تدابیر کیفری در مقابله با قاچاق انسان تمرکز شده، در حالی که اسناد بین‌المللی مرتبط با موضوع، افزون بر اشاره به جرم‌انگاری و تدابیر کیفری، به پیشگیری از این جرایم نیز پرداخته‌اند.



گلدوزیان و پوراابراهیم (۱۳۹۱) نیز در مقاله خود با عنوان «بررسی قاچاق زنان در اسناد بین‌المللی و حقوق جزایی ایران» به تحلیل ساختاری این جرم در نظام حقوقی بین‌المللی در مقایسه با مقررات داخلی پرداخته‌اند. آن‌ها علاوه بر بررسی ارکان سه‌گانه جرم قاچاق زنان، این جرم را در نظام حقوق بین‌الملل و قوانین کشورهای انگلستان و ایالات متحده آمریکا تبیین کرده‌اند و در نهایت ایرادات وارد بر قانون مبارزه با قاچاق انسان ۱۳۹۳ را برشمرده و راهکارهایی را برای اصلاح شیوه واکنش در برابر قاچاق زنان ارائه داده‌اند.

فروغی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «قاچاق انسان: علل و آسیب‌ها» تاکید کرده که نه انگیزه‌های فردی بلکه علل ساختاری موجب افزایش میزان قاچاق انسان شده است. در واقع، نظام حاکم بر قاچاق انسان پدیده‌ای تک وجهی و فاقد هرگونه ساز و کاری نیست، بلکه پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی است که با اتکا بر عقلانیت ابزاری، همواره شیوه‌های نوینی را برای توسعه این فعالیت‌های غیرقانونی به کار می‌گیرد.

بیابانی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «سازمان‌های جنایی و قاچاق زنان (راهکارهای مبارزه با آن)» ضمن برشماری اشکال قاچاق زنان در قالب ازدواج پستی، ازدواج صوری، قاچاق برای تهیه اعضای بدن، توریسم جنسی، بردگی جنسی، فحش‌های اجباری، عقیم‌سازی اجباری، کار اجباری، روسپی‌گری اجباری، ازدواج اجباری، به تشریح علل و زمینه‌های بروز قاچاق انسان در سه بخش عوامل تاثیرگذار فرهنگی، اقتصادی و حقوقی پرداخته است. همچنین، ایشان در بخش دیگر مقاله مهم‌ترین شیوه‌های قاچاق انسان را نیز تحلیل کرده است. عینی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «حمایت از بزهدیدگان جرم قاچاق انسان در اسناد فراملی» نقش اسناد و مقررات بین‌المللی را در این زمینه بررسی و راهکارهای حمایتی را در این خصوص پیشنهاد داده است.

کلانتری و زارعی (۱۳۸۹) در مقاله خود تحت عنوان «قاچاق زنان به قصد فحشا (از منظر فقه جزایی و حقوق کیفری)» ضمن تبیین ویژگی‌های قاچاق زنان، وصف‌های مجرمانه کیفری مرتبط با این موضوع را از حیث فقهی و حقوقی تحلیل کرده‌اند. آن‌ها همچنین اسناد بین‌المللی مرتبط با موضوع را به صورت خلاصه توصیف و تحلیل کرده‌اند.

عالی‌پور (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «قاچاق زنان بزهی بر ضد کرامت زنان» به شناسایی پدیده قاچاق زنان از حیث شناخت مفهومی و پیشینه تاریخی مقررات مرتبط با قاچاق زنان در حقوق کیفری ایران (پیش و پس از انقلاب اسلامی) پرداخته و سپس ارکان این جرم را در بستر حقوق داخلی تحلیل و آن را از سایر جرایم مشابه تمییز داده است. همچنین، در بخش‌هایی از مقاله مباحثی را به پیشگیری اجتماعی و وضعی از قاچاق زنان اختصاص داده است.

السان (۱۳۸۴) نیز در مقاله خود با عنوان «قاچاق زنان و کودکان برای بهره‌کشی جنسی (از منق جهانی تا حمایت از بزهدیدگان)» با تمرکز بر بهره‌کشی جنسی به عنوان یکی از علل قاچاق انسان، دو اصل ممنوعیت بی‌قید و شرط بهره‌کشی جنسی و ضرورت حمایت از بزهدیدگان بدون توجه به رضایت و تابعیت آن‌ها را نتیجه

تحولات اخیر در حقوق بین‌الملل دانسته است. وی در ادامه در رابطه با عوامل زمینه‌ساز قاچاق بین‌المللی برای بهره‌کشی جنسی، به عوامل مربوط به بزه‌دیدگان (نظیر فقر، شرایط کاری نامطلوب و فقدان فرصت‌های اقتصادی)، عوامل مربوط به دلالتان و قاچاقچیان و عوامل مربوط به گردشگران جنسی اشاره کرده است.

نوبهار (۱۳۸۵) در مقاله خود تحت عنوان «قاچاق زنان برای روسپیگری از منظر آموزه‌های اسلامی با نگاه به مقررات بین‌المللی و حقوق ایران» بر سه حوزه ناسازگاری آموزه‌های اسلامی با قاچاق زنان برای فحشا، موافقت دیدگاه اسلام با پیشگیری از این پدیده غیرقانونی و حمایت از بزه‌دیدگان آن تمرکز و به این نتیجه رسیده است که قاچاق زنان برای فحشا منطبق با هیچ یک از جرایم مستوجب حد نیست. افزون بر این، آموزه‌هایی از جمله ضرورت مقابله با اعمال منافی عفت، نفی مسئولیت کیفری با توجه به عنصر اضطرار و اکراه و جواز عفو زن قربانی در مجموع بر حمایت از این بزه‌دیدگان حکایت می‌کند.

جدای از پژوهش‌های داخلی، قاچاق زنان موضوع مطالعه گسترده‌ی پژوهش‌های خارجی نیز قرار گرفته است. در ادامه به برخی از این گونه پژوهش‌ها پرداخته می‌شود.

اسمیت^۱ (۲۰۱۱) نیز در مقاله خود با عنوان «قاچاق جنسی: جریان‌ها، چالش‌ها و محدودیت‌های حقوق بین‌الملل» به این موضوع اشاره کرده است که تصویب پروتکل الحاقی به کنوانسیون پالمو برای پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان، اولین تلاش جهانی برای مقابله با قاچاق اشخاص است. از زمان تصویب پروتکل، سازمان‌های مردم‌نهاد و دولتی منابع مهمی را به از بین بردن قاچاق اختصاص داده‌اند. با وجود این، دولت‌ها هنوز تمهیدات لازم برای اجرای کامل مفاد آن را فراهم نکردند و به همین جهت تبعیض‌هایی در اجرای پروتکل به ضرر بزه‌دیدگان مشاهده می‌شود.

برتون^۲ (۱۹۹۹) در مقاله خود با عنوان «قاچاق جنسی زنان: اقتصاد سیاسی بین‌المللی و سیاست جنسیتی» به این موضوع اشاره کرده که قاچاق زنان در بسیاری از کشورها تهدیدی علیه امنیت ملی و انسجام اجتماعی تلقی می‌شود. بر اساس دیدگاه وی، اقتصاد سیاسی بین‌المللی روابط جنسی دربردارنده نظامی از عرضه (از کشورهای در حال توسعه) و تقاضا (از کشورهای توسعه یافته) و بنابراین مقوله‌ای یک‌سویه نخواهد بود.

در مقاله دیگری فاریور^۳ (۱۹۹۷) با عنوان «قوانین بین‌الملل مربوط به قاچاق زنان و کودکان برای فحشا؛ تحقق ظرفیت‌های بالقوه آن‌ها» به این موضوع اشاره کرده است که قاچاق زنان افزون بر محرومیت از آزادی به شدت با محرومیت از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مرتبط است. وی در ادامه با بررسی اسناد و نهادهای بین‌المللی در این زمینه بیان می‌دارد که علی‌رغم وجود نقاط ضعف موجود، می‌توان امیدوار بود آن‌ها بتوانند اراده لازم برای تغییر در شرایط سیاست بین‌المللی فراهم کنند.

1. Smith

2. Bertone, A. M

3. Farrior



در مجموع، همان‌طور که مشخص گردید در پژوهش‌های داخلی بیشتر مفهوم و ویژگی‌های قاچاق زنان پرداخته شده، و ارکان تشکیل‌دهنده آن از حیث نظام حقوقی داخلی، فقه و حقوق بین‌الملل مطالعه شده است. همچنین، بخشی از مطالعات پیامدها و آسیب‌های مرتبط با قاچاق زنان و بزه‌دیدگان این جرم را تبیین می‌کنند. در مقابل، در مقاله حاضر تلاش می‌شود تا افزون بر بررسی تطبیقی اسناد بین‌المللی مرتبط با موضوع قاچاق زنان و سنجش میزان همسویی آن‌ها، قاچاق زنان در ارتباط با مفهوم جرایم علیه بشریت، که در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار دارد، تحلیل شود.

مبانی نظری

تابعان حقوق بین‌الملل اسناد متعددی را از گذشته تاکنون در حوزه زنان به طور کلی و قاچاق زنان به طور خاص تصویب کرده‌اند که بیانگر دغدغه‌ی آن در رابطه با جنسیت، زن و رفتارهای ناقض کرامت وی است. تدوین‌کنندگان این اسناد تلاش کرده‌اند تا از زوایای مختلف پدیده قاچاق زنان را شناسایی، کاستی‌های حقوقی موجود را شناسایی و راهکارهای نوینی را برای کاهش ارتکاب این جرم در جهان ارائه دهند. حتی به ادعای برخی نویسندگان توجه به قاچاق زنان اهمیت بیشتری در حقوق بین‌المللی در مقایسه با حقوق داخلی دارد؛ بنابراین، بایستی نظام حقوقی بین‌المللی حساسیت بیشتری در قبال زنان و آسیب‌های آن‌ها داشته باشد. در چنین فضایی، نظام حقوقی داخلی نیز تحت تاثیر تاکید سازمان ملل و سایر کشورها بر ضرورت انجام تدابیر بین‌المللی در مبارزه با قاچاق انسان، تحولاتی را ایجاد کردند، که نمونه آن را در نظام عدالت کیفری ایران می‌توان دید؛ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ از این گونه موارد است (السان، ۱۳۸۴، ص ۳۳۲).

با توجه به توسعه تلاش‌های بین‌المللی و افزایش مطالعات نظری پیرامون قاچاق انسان، مفهوم قاچاق انسان اشکال همراه با رضایت را نیز به صراحت در خود جای می‌دهد. در واقع، ممکن بود در گذشته در مواردی که رضایت بزه‌دیده مطرح می‌شد، در اطلاق عنوان قاچاق انسان تردید وجود داشته باشد، ولی در حال حاضر دیگر این تردیدها جایگاهی ندارد.

افزون بر توسعه مفهومی، به دنبال شناسایی قاچاق زنان در جامعه بین‌المللی (و حقوق داخلی کشورها)، این جرم در قلمرو جرایم سازمان‌یافته در اسناد بین‌المللی نیز قرار گرفت که به معنای همراهی آن با جرایم متعدد فراملی دیگری نظیر پولشویی، قاچاق مواد مخدر و برخی جرایم خشن است (افروغ و زارعی، ۱۳۹۴). جلوه‌ی آشکار این تلاش را می‌توان در تصویب پروتکل الحاقی به کنوانسیون پالمو درباره پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به‌ویژه زنان و کودکان مشاهده کرد (نوبهار، ۱۳۸۵، ص ۲۰۹).

بر این اساس، ویژگی‌های جرایم سازمان‌یافته از جمله ساختار سازمانی، قدرت مرکزی، سلسله مراتب تشکیلاتی، محدودیت اعضا، قواعد الزام‌آور، استمرار زمانی و تقسیم کار در قاچاق زنان مشهود است، به طوری که این جرم در سطح جهانی به عنوان یکی از گسترده‌ترین موارد نقض حقوق بشر شناخته می‌شود

(بیابانی، ۱۳۹۰، ص ۲۷). با این وجود، در نظام عدالت کیفری ایران با این‌که قاچاق زنان از جمله جرایم سازمان‌یافته محسوب می‌شود، ولی آیین دادرسی جداگانه‌ای برای آن در نظر گرفته نشده است. حال آن‌که با توجه به آسیب‌پذیری بزه‌دیدگان، پیچیدگی، سازمان‌یافتگی و سود سرشار این جرایم، ضرورت تدوین دادرسی افتراقی به شدت احساس می‌شود (عالی پور، ۱۳۸۸، ص ۱۷۳).

فراتر از وصف سازمان‌یافتگی، بسیاری از اسناد و مقررات بین‌المللی بر اتخاذ رویکرد حمایتی نسبت به زنان قربانی قاچاق تاکید کرده‌اند، به گونه‌ای که می‌توان گفت حمایت از قربانیان قاچاق، اعم از رویکردهای پیشگیرانه، دسترسی به عدالت و حمایت کیفری و غیرکیفری از زنان، به یکی از کانون‌های عمده در مباحث حقوقی در حقوق بین‌المللی تبدیل شده است.

در این حوزه، کشورها همواره در حال تلاش‌اند تا مسایلی همانند دسترسی به دادگاه‌ها و دادرسی عادلانه، عدم پیگرد قضایی بزه‌دیدگان قاچاق، حمایت از تمامی بزه‌دیدگان را هماهنگ با سایر کشورها در قالب همکاری‌های مختلف تضمین نمایند (السان، ۱۳۸۴، صص ۳۵۵-۳۵۷). برای نمونه، در پروتکل الحاقی به کنوانسیون پالمو افزون بر جرم‌انگاری قاچاق انسان در معنای گسترده (ماده ۳)، تدابیر حمایت از بزه‌دیدگان و اتخاذ برنامه‌های پیشگیرانه نیز اشاره شده است. با این همه، به نظر می‌رسد در نظام عدالت کیفری ایران نوعی خلاء قانونی در زمینه‌ی به رسمیت شناختن زنان قربانی قاچاق انسان به چشم می‌خورد و از اینرو همسویی مقررات داخلی با مقررات بین‌المللی ضروری به نظر می‌رسد.

در واقع، پیچیدگی‌ها و سازمان‌یافتگی قاچاق انسان ایجاب می‌کند تا در بسیاری موارد بزه‌دیدگان این جرایم به عنوان شاهد در جریان دادرسی حضور داشته باشند. در چنین شرایطی اعمال سازوکارهای حمایت از آن‌ها و به طور خاص تامین امنیت آن‌ها با توجه به وجود مناسبات قدرت میان این بزهکاران و کشمگران دولتی، اهمیتی ویژه خواهد داشت. بر این پایه، ارتباط تنگنگی میان حمایت از بزه‌دیدگان و مقابله نظام عدالت کیفری با این جرم وجود دارد؛ به طوری که بدون برقراری سازوکارهای حمایتی، امکان گزارش‌دهی این جرایم از سوی بزه‌دیدگان بسیار پایین خواهد بود. به بیانی دیگر این موضوع موجب می‌شود تا این جرایم کشف نشوند (بیگی، ۱۳۸۹، ص ۲۶).

اما آن‌چه که کمتر در اسناد بین‌المللی به آن پرداخته شده و بایستی بیشتر مورد توجه قرار گیرد، اقدامات داخلی و همکاری‌هایی بین‌المللی کشورها برای پیشگیری از قاچاق زنان است. در این زمینه، حتی نظام‌های داخلی از جمله نظام عدالت کیفری ایران با ضعف و کاستی‌هایی در زمینه شرایط و امکانات آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، نبود پلیس متخصص و غیره مواجه هستند (ابراهیمی منش و صفاری، ۱۳۹۶، ص ۹). در حقیقت، محققان، راهبردهای سه‌گانه مبارزه با قاچاق انسان را در سه بخش خلاصه کرده‌اند: پیشگیری^۱



تعقیب^۱ و حمایت^۲ (رافالی^۳، ۲۰۰۹، ص ۲۰۶؛ فولمار، اتو و راب^۴، ۲۰۰۹، ص ۵) نماینده عالی رتبه حقوق بشر سازمان ملل متحد در تعبیری دیگر به موارد مزبور، جبران خسارت قربانیان را نیز اضافه می‌کند. قاچاق انسان از موضوعات چندوجهی و محل تلاقی حقوق بشر، حقوق کیفری، حقوق مهاجرت و حقوق کار است (رافالی، ۲۰۰۹، ص ۲۲۱؛ پیترویکز^۵، ۲۰۱۰، ص ۱۷۶). ابعاد حقوق بشری قاچاق انسان تکالیف و الزامات دیگری را نیز در راستای مبارزه مؤثر با این جرم بر دولت‌ها تحمیل می‌کند که یکی از مهمترین آن‌ها حمایت حقوق بشردارانه از بزه‌دیدگان جرمی است که برخی از حقوق انسانی آن‌ها پایمال شده است. حمایت از بزه‌دیدگان جرم قاچاق انسان نقشی بسزا در پیشگیری از قاچاق مجدد آن‌ها دارد و برعکس رها کردن قربانیان زمینه بزه‌دیدگی مجدد آن‌ها را فراهم می‌کند (هودگی^۶، ۲۰۰۸، ص ۱۵۱).

جدای از بحث محتوای اسناد بین‌المللی و جهت‌گیری‌های عمده آن‌ها، بخشی از مطالعات نظری به بررسی متغیرهای تاثیرگذار در ارتکاب یا تسهیل قاچاق زنان اختصاص یافته است، که یافته‌های حاصل از آن‌ها بیانگر وجود تنوعی از متغیرها در این حوزه است. مشکلات اقتصادی از جمله فقر، بیکاری و نابسامانی اقتصادی در کشورهای مبدأ، در بسیاری از مطالعات به عنوان یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر تمایل زنان به خروج از کشور و بهره‌برداری قاچاقچیان از این تمایل به سود خود، در نظر گرفته می‌شود (کولایی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۸). در کنار این موضوع، حاکمیت فرهنگ خشونت و تبعیض‌های غیرقانونی علیه زنان و در حاشیه بودن آنان در برخی کشورها نیز بر شمار سالانه قاچاق زنان در جهان می‌افزاید (عطارزاده، ۱۳۹۳، ص ۱۲۸). از سوی دیگر، جهانی‌شدن و تسهیل رفت و آمد میان کشورها به ویژه در اروپا ارتکاب این جرم را تسهیل و سود سرشار و روزافزون این موضوع، پدیده قاچاق و وصف سازمان‌یافتگی آن را تشدید و تقویت می‌کند.

سرانجام می‌توان گفت، برخی مطالعات در حال حاضر به بررسی ارتباط نظری میان قاچاق سازمان‌یافته زنان و جرایم علیه بشریت و به تبع آن صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی به رسیدگی برای رسیدگی به این جرم، پرداخته‌اند. بنابراین، مطالعات نظری در حوزه قاچاق زنان همواره در حال تحول و توسعه بوده و به سوی حمایت حداکثری از زنان بزه‌دیده گام بر می‌دارد. مقاله حاضر افزون بر تبیین رویکرد اسناد بین‌المللی در رابطه با قاچاق زنان و میزان همسویی آن‌ها می‌کوشد تا قابلیت دیوان کیفری برای رسیدگی به قاچاق زنان را در قالب جرایم علیه بشریت تحلیل کند.

روش

پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع، نوعی تحقیق اسنادی است که با استفاده از روش بررسی اسناد و

1. Prosecution
3. Raffaelli
5. Piotrowicz

2. Protection
4. Follmar-Otto, P., & Rabe, H
6. Hodge

مستندات مرتبط با موضوع به توصیف و تحلیل مساله‌ی اساسی پژوهش می‌پردازد. در روش اسنادی، پژوهشگر بر اساس منابع و اسناد جمع‌آوری شده، داده‌های پژوهشی را پیرامون موضوع مورد پژوهش جمع‌آوری می‌کند. در واقع، با استفاده نظام‌مند از داده‌های اسنادی، مطالب مرتبط با موضوع پژوهش استخراج، طبقه‌بندی و ارزیابی می‌کند (صادقی فسایی و عرفان منش، ۱۳۹۴، ص ۶۹). در پژوهش حاضر نیز تلاش می‌شود تا اسناد بین‌المللی مرتبط با قاچاق زنان مطالعه شود. همچنین، کتب، مقالات و تحقیقاتی که پیرامون اسناد فوق نگارش یافته‌اند نیز گردآوری و داده‌های آن‌ها برای واکاوی پدیده محوری پژوهش مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

ماهیت بزهکارانه و پیامدهای ناگوار قاچاق زنان به مثابه جرم سازمان‌یافته و فراملی موجب شده است تا کشورها اسناد و مقررات متعددی را برای مبارزه موثر با قاچاق زنان و حمایت از بزه‌دیدگان تدوین کنند. در این بخش تلاش می‌شود با توجه به دیدگاه‌هایی که در بخش مبانی نظری ذکر گردید، یافته‌های مرتبط با اسناد بین‌المللی و کنوانسیون‌ها ارائه شود.

الف) مقاله‌نامه متوقف ساختن قاچاق برده‌های سفیدپوست ۱۹۰۴ پاریس^۱

مروری به اسناد بین‌المللی حقوق بشر حکایت از این واقعیت دارد که تاریخچه تکوین اسناد بین‌المللی که برای دفاع از حقوق زنان تصویب گردیده است، قدمتی کمتر از یک سده دارد. همچنین، بررسی اجمالی اسناد بین‌المللی دفاع از حقوق زن، گویای آن است که دغدغه اصلی نخبگان جامعه ملل در دهه اول قرن بیستم، مساله خرید و فروش زنان سفید پوست و اجیر کردن آنان برای خود فروشی و ضرورت برخورد با این پدیده اجتماعی بود تا مساله تساوی حقوق با مردان. اما پس از گذشت چند دهه، تفکر جهانی نسبت به زنان و حقوق آنان متحول گردید. به دنبال پیروزی ایالات متحده آمریکا در جنگ‌های داخلی که با هدف الغای بردگی صورت پذیرفت، به ظاهر دوران بردگی و تجارت برده در سراسر جهان رو به افول گذاشت؛ لیکن شکل فجیع‌تری از بردگی نوین، که عبارت بود از استثمار نیروی کار انسان‌ها، به ویژه با سوء استفاده از زنان و کودکان و نیز اجیر کردن آن‌ها برای اهداف بهره‌کشی جنسی، به شدت رایج گردید (گلدوزیان و پورابراهیم، ۱۳۹۱، ص ۱۱۶). بدین لحاظ، نخستین سند بین‌المللی در دفاع از حقوق زنان در ۱۸ مه ۱۹۰۴ میلادی در پاریس تحت عنوان «کنوانسیون بین‌المللی راجع به تأمین یک حمایت موثر علیه معامله جنایت‌کارانه موسوم به خرید و فروش سفید پوستان» با هدف مقابله با سوء استفاده جنسی از زنان و دختران و اجیر کردن آنان برای فحشاء به امضا رسید و دولت‌های متعهد با الحاق به کنوانسیون مزبور متعهد گردیدند تا ضمن مبادرت به اقدامات لازم برای معارضة و مقابله با اشخاصی که اقدام به اجیر کردن زنان و دختران برای فحشاء می‌کنند، دختران و زنانی

1. Convention Against the Smuggling of White Slaves in 1904 Paris



را که برای خودفروشی به کشور دیگر برده شده‌اند، به وطن اصلی خود برگرداندند (مصطفی پور، ۱۳۸۹، ص ۱۱۴). مقاله‌نامه موصوف به دلیل تلاش جهت حفظ حقوق زنان مورد توجه قرار می‌گیرد. مقصود غایی این مقاله‌نامه، متعهد شدن دولت‌های عضو جهت اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از انتقال زنان و دختران به خارج از کشور خود جهت فسق و روسپیگری بوده است. همچنین، در این سند بر تعهدات کشورها جهت جلوگیری و اتخاذ تدابیری برای پیشگیری از وقوع خرید و فروش زنان تأکید شده است. لازم به ذکر است که این مقاله‌نامه تعریفی از قاچاق زنان و یا خرید و فروش زنان و دختران ارائه نکرده و شاید بتوان گفت در آن زمان بر سر تعریف آن، نوعی اتفاق نظر وجود داشته است.

ب) قرارداد بین‌المللی ممانعت از قاچاق برده‌های سفید پوست ۴ می ۱۹۱۰^۱

برای تکمیل مقاله‌نامه فوق حدود شش سال بعد در ۴ مه سال ۱۹۱۰ میلادی نیز قرارداد بین‌المللی دیگری تحت عنوان «قرارداد بین‌المللی راجع به جلوگیری از خرید و فروش سفیدپوستان» در پاریس به امضا رسید که در واقع مکمل کنوانسیون ۱۹۰۴ بود. در ماده ۱ این قرارداد آمده: «هر کسی برای انجام هوی و هوس دیگری زنی را ولو با رضایت خودش باشد، یا دختر صغیری را برای فسق، اجیر و جلب و یا از راه عفت منحرف سازد، ولو این که عملیات مختلفه که مبانی جرم محسوب می‌شود، در ممالک مختلفه صورت گرفته باشد، باید مجازات شود». بر اساس این تعریف، هر گونه بهره‌کشی جنسی به هر نحو ممکن، عملی خلاف حقوق بشر تلقی می‌شود و رضایت زن مفعول نیز در تغییر ماهیت غیرانسانی این عمل اثری ندارد (گلدوزیان و پورابراهیم، ۱۳۹۱، ص ۱۱۷).

البته، در مقاله مذکور تنها قاچاق زنان به قصد بهره‌کشی جنسی جرم انگاری شده است و از این رو قاچاق زنان که با مقاصد دیگر از انواع بهره‌کشی ممکن بود صورت گیرد، همچنان ممنوع شناخته نشد. به عنوان مثال، اگر قاچاق زنان به منظور ازدواج اجباری و یا کار مشقت بار و سخت، صورت می‌گرفت، مشمول این قرارداد نمی‌شد. با آغاز جنگ جهانی اول اغلب امضاکنندگان دو سند فوق به صورت دشمن یکدیگر درآمدند و در نتیجه اجرای مفاد این اسناد در عمل به حال تعلیق درآمد (گلان، ۱۳۷۹، ص ۵۸۱؛ گلدوزیان و پورابراهیم، ۱۳۹۱، ص ۱۱۷).

ج) قرارداد بین‌المللی الغاء خرید و فروش زنان و کودکان ۱۹۲۱^۲

در تاریخ سی‌ام سپتامبر سال ۱۹۲۱ میلادی قرارداد بین‌المللی دیگری با عنوان «قرارداد بین‌المللی الغای خرید و فروش زنان و کودکان» با هدف تکمیل و تایید دوباره دو سند بین‌المللی قبلی به تصویب تعداد قابل توجهی از دولت‌ها رسید؛ براساس مفاد آن دولت‌های متعهد توافق نمودند اقدامات لازم را برای تعقیب و مجازات کسانی

1. International Convention for the Prevention of the Smuggling of White Slave May 4, 1910

2. International contract for the abolition of the sale of women and children 1921

که مبادرت به معامله زنان و یا کودکان می‌نمایند، را انجام دهند. همچنین مطابق ماده ۳ این قرارداد، حتی شروع به جرم معامله زنان و کودکان، جرم شناخته شد. افزون بر این، حتی اگر دولت‌های متعهد قرارداد استرداد مجرمین بین خود نداشته باشند، می‌توانستند برای استرداد اشخاصی که متهم به جرایم فوق هستند، اقدام نمایند. در این سند تنها به زنان سفید پوست نشده و در ظاهر به همین دلیل باید گستره این سند را در خصوص تمامی کشورها پذیرفت (گلدوزیان و پوراابراهیم، ۱۳۹۱، ص ۱۱۷).

د) کنوانسیون‌ها و کنفرانس‌های سازمان ملل متحد

در سال ۱۹۷۲ دبیر کل سازمان ملل از کمیسیون مقام زن خواست تا نظر دولت‌های عضو را نسبت به شکل و محتوای سند بین‌المللی در زمینه حقوق زنان جویا شود. سال بعد یک گروه کاری از سوی شورای اقتصادی اجتماعی جهت بررسی تنظیم چنین کنوانسیونی تعیین شد. در سال ۱۹۷۴ کمیسیون مقام زن تنظیم کنوانسیون را آغاز و در سال ۱۹۷۷ پیش نویس تهیه شده را به مجمع عمومی سازمان ملل تقدیم کرد. مجمع عمومی یک گروه کاری ویژه را جهت تنظیم نهایی کنوانسیون مامور کرد و سرانجام طرح مزبور با عنوان «کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان»^۱ که یکی از اشکال عدم تبعیض، مقابله با خشونت زنان و جلوگیری از وقوع قاچاق آنان است، در تاریخ هجدهم دسامبر سال ۱۹۷۹ میلادی به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید.

در مقدمه کنوانسیون، نگرانی‌هایی از وجود تبعیض‌های گسترده و وقوع خشونت و قاچاق علیه زنان و امکان دسترسی حداقل آنان به مواد غذایی، بهداشت، تحصیلات، اشتغال و سایر نیازها، علیرغم تصویب اسناد متعدد بین‌المللی در زمینه حقوق زنان، ابراز گردید و بر ضرورت و اهمیت نقش زنان در روند توسعه همه جانبه جهانی و اجرای اصل مساوات کامل میان زنان و مردان و محو کامل کلیه اشکال تبعیض علیه زنان تاکید شد. نکته مهمی که این سند بین‌المللی را از اسناد قبلی در این زمینه متمایز می‌کند، تعریف جامع واژه «تبعیض علیه زنان» در کنوانسیون است. به علاوه، در خصوص سایر حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای زنان، از جمله حقوق مساوی مربوط به تابعیت برای زنان و مردان، حقوق مربوط به آموزش و پرورش، حق اشتغال به کار و حقوق وابسته به آن، حق مربوط به بیمه‌های اجتماعی و حمایتی، حقوق مربوط به ازدواج، جلوگیری از به بردگی گرفتن و بهره‌کشی جنسی از زن، حق برخورداری از خدمات بهداشتی، حق بهره‌مندی از وام‌ها و تسهیلات بانکی و برخورداری از رفاه عمومی و شرایط زندگی مناسب از قبیل مسکن، آب، برق، ارتباطات و حمل و نقل، در کنوانسیون تاکید شده است. در مجموع کنوانسیون فوق در مقایسه با سایر اسناد بین‌المللی در این زمینه، جامع‌ترین سند دفاع از حقوق زنان محسوب می‌شود و به نکات مهمی برای رفع تبعیض علیه زنان توجه کرده است.

1. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women



نکته مهم قابل توجه در مورد کنوانسیون رفع تبعیض، سند نهایی چهارمین کنفرانس جهانی زن است که از ۴ تا ۱۵ سپتامبر سال ۱۹۹۵ در پکن و با حضور فعال ایران برگزار گردید. در بند ۱۲۳ آن آمده است: «جلوگیری از داد و ستد زنان و دختران در تجارت بین‌المللی جنسی، نگرانی عمده بین‌المللی است. شبکه بین‌المللی فحشاء و خرید و فروش زنان یک کانون عمده جنایت سازمان‌یافته بین‌المللی است. زنان و دخترانی که قربانی این تجارت بین‌المللی هستند، در معرض خطر خشونت‌های بیشتر، از جمله در معرض آلوده شده به ویروس ایدز هستند. ضرورت‌های موجود ایجاب می‌کند که اجرای کنوانسیون سال ۱۹۴۹ راجع به سرکوب خرید و فروش اشخاص و استثمار روسپیگری دیگران و نیز دیگر اسناد ذیربط بازنگاری و تقویت شوند. به کارگیری زنان در شبکه‌های بین‌المللی روسپیگری و خرید و فروش زنان اکنون از کانون‌های عمده توجه تشکیلات سازمان یافته جنایتکاران بین‌المللی شده است» (آرین و میرسعیدی، ۱۳۷۵، ص ۷۷). در بند ۲۱۸ سند مذکور به اجرای کامل کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان نیز اشاره و تاکید شده است.

با عنایت به این که در هیچ یک از اسناد بین‌المللی موضوع خشونت علیه زنان قبل از تصویب «اعلامیه رفع خشونت علیه زنان» به طور اخص نامی برده نشده بود، کمیسیون مقام زن یک کارگروه اجرایی را برای تهیه پیش‌نویس اعلامیه رفع خشونت علیه زنان در سال ۱۹۹۲ تشکیل داد. کارگروه مذکور با اجماع حاصله متن پیش‌نویس اعلامیه را تصویب و سپس به سی و هفتمین اجلاس کمیسیون مقام زن ارائه داد که در نهایت مجمع عمومی طی قطعنامه ۴۸ / ۱۰۴ در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ آن را تحت عنوان «اعلامیه حذف خشونت علیه زنان» مورد تصویب قرار داد.

اعلامیه موصوف نخستین سند بین‌المللی است که به طور خاص مبارزه با خشونت علیه زنان را مورد توجه قرار داده و ماده ۱ آن به تعریف خشونت علیه زنان پرداخته است، بدین شرح که خشونت علیه زنان «هر اقدام خشن متکی بر جنسیت است که منجر به آسیب یا رنج جسمی، جنسی یا روانی نسبت به زنان شود، از جمله تهدیدات یا اعمال مشابه، اجبار یا محروم کردن خودسرانه از آزادی که در منظر عموم یا در خلوت زندگی خصوصی انجام شود».

براساس ماده ۲ اعلامیه فوق خشونت به اشکال مختلفی ممکن است رخ دهد از جمله: خشونت جسمی، جنسی و روانی در محیط خانواده، مثل برقراری روابط اجباری جنسی زناشویی و یا کتک زدن؛ همچنین در محیط جامعه مانند سوءاستفاده جنسی، آزار و اذیت جنسی در محیط کار، قاچاق زنان و فحشا اجباری. در ماده ۳ اعلامیه نیز خشونت علیه زنان نقض آشکار حقوق بشر و شکلی از تبعیض علیه زنان قلمداد شده است.

افزون براین، کنوانسیون پالرمو که با هدف همکاری و هماهنگی بین دولت‌های عضو برای پیشگیری و مبارزه با جرایم سازمان یافته، به وجود آمده است، دستیابی به این هدف را از طریق ایجاد ساز و کارهایی برای

از بین بردن اختلاف سیستم‌های حقوقی کشورهای عضو نسبت به برداشت‌های متفاوت از جرم سازمان‌یافته و ارایه استانداردهایی برای حقوق داخلی کشورها به گونه‌ای که بتوانند با جرم سازمان‌یافته فراملی مبارزه کنند، تسهیل می‌کند. کنوانسیون پالمو کشورهای را که فاقد مقررات ویژه برای مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی هستند، به تصویب این مقررات تشویق می‌کند. همچنین، به وسیله ارایه استانداردها و تقویت همکاری‌های بین‌المللی و تأمین تلاشی مؤثرتر و کارآمدتر در بین کشورها، حذف مناطق امن برای سازمان‌های تبهکار، هدف قرار می‌دهد؛ ضمن این‌که، سازمان ملل متحد نیز با تنظیم و انتشار دستورالعمل‌هایی، کشورهای عضو را در حوزه قانون‌گذاری و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و مقابله‌ای راهنمایی و حمایت می‌کند.

۵) دیوان کیفری بین‌المللی

قاچاق زنان جهان در دو دهه گذشته شاهد رشد روزافزون جرایم سازمان‌یافته فراملی، اعم از قاچاق اسلحه، مواد مخدر و انسان بود. به موازات گسترش این جرایم، سازمان ملل متحد نیز در راستای وظیفه ذاتی خود، که تأمین صلح و امنیت جهانی است، موفق شد دو سند بسیار مهم و تاثیرگذار در سطح جهان را تصویب کند. ابتدا، در پایان دهه آخر قرن بیستم، یعنی هفدهم جولای ۱۹۹۸، مقر سازمان غذا و کشاورزی سازمان ملل متحد، در شهر رم میزبان ۱۲۰ کشور از مجموع ۱۶۰ کشور شرکت‌کننده در کنفرانس دیپلماتیک رم برای امضای اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی بود. این اساسنامه در اول جولای ۲۰۰۲ با الحاق بیش از شصت کشور به آن لازم‌الاجرا شد و آرزوی پنجاه ساله جامعه بین‌المللی برای تشکیل یک مرجع کیفری بین‌المللی برآورده شد. تا ۱۸ جولای سال ۲۰۰۸، تعداد ۱۰۸ کشور به این سند ملحق شدند که این موضوع حکایت از اهتمام جامعه جهانی نسبت به گسترش عدالت در جهان است؛ همچنین این سند برای حفظ و حمایت از حقوق بشر و مبارزه با شدیدترین جرایم بین‌المللی دارای اهمیت است.

بر اساس ماده ۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، صلاحیت این مرجع بین‌المللی، محدود به شدیدترین جرایم بین‌المللی؛ یعنی تجاوز ارضی، جرایم علیه بشریت، نسل‌کشی و جرایم جنگی است. بررسی برخی از این جرایم از موضوع بحث ما خارج هستند. اما باید ببینیم آیا بعضی از جرایم سازمان‌یافته فراملی، به ویژه قاچاق انسان می‌تواند در محدوده‌ی جرایم علیه بشریت قرار گیرد یا خیر؟ برای پی بردن به این موضوع، لازم است ابتدا عناصر تشکیل‌دهنده جرایم علیه بشریت را بررسی کنیم.

ماهیت یک جرم علیه بشریت، فعل یا ترک فعلی است که ضمن این‌که جزیی از یک عملیات سیستماتیک یا گسترده است، متضمن نقض شدید حقوق بشر افراد بوده یا این‌که سرانجام منجر به آن شود. بر این پایه، ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی جرایم علیه بشریت را به عنوان اعمال خاصی تعریف می‌کند که به عنوان جزیی از یک حمله سیستماتیک یا گسترده نسبت به یک جمعیت غیر نظامی با علم به آن حمله ارتکاب یافته باشد. بنابراین، ایجاد مسؤولیت کیفری در قبال ارتکاب یک جرم علیه بشریت، نیاز به اثبات ارتکاب قتل عمد، نابود سازی، به بردگی گرفتن، اخراج یا کوچ اجباری، تجاوز جنسی، بردگی جنسی، فحش‌های اجباری و ... دارد.



آن‌گونه که ماده (k) (a) (۱-۷) اساسنامه مقرر می‌دارد، این اعمال باید به عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک، بر ضد هر جمعیت غیرنظامی، به وسیله یک مرتکب با علم به وجود آن حمله و متعاقب یک سیاست دولتی یا اغماض دولت ارتکاب یافته باشند.

لازم به یادآوری است که بر خلاف تعاریف اولیه از جرایم علیه بشریت، نیازی نیست که حمله مربوط به یک درگیری مسلحانه باشد (شبت، ۱۳۸۴، ص ۵۵). علاوه بر عناصر عمومی جرایم علیه بشریت، دادستان باید ارتکاب عمل مجرمانه مشخصی را که جزیی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک علیه یک جمعیت غیرنظامی است، ثابت کند. ماده (k) (a) (۱-۷) اساسنامه شامل فهرستی از یازده فعل خاص است که قتل عمد و جرایمی نظیر زنا به عنف، آپارتاید، شکنجه و سایر اعمال غیرانسانی دارای مشخصات مشابه را دربر می‌گیرد. این فهرست شامل تعدادی از جرایم مهم، از قبیل به بردگی گرفتن، تجاوز به عنف، بردگی جنسی، فحش‌های اجباری و سایر اشکال خشونت جنسی به نسبت شدید است که به طور دقیق مرتبط با قاچاق انسان هستند. این اعمال ماهیت دو سویه‌ای دارند، زیرا چنانچه در زمان جنگ انجام شوند، به عنوان جنایت جنگی و در غیر این صورت جرم علیه بشریت شناخته می‌شوند (میرمحمد صادقی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۷).

علاوه بر این که امکان تفسیر صلاحیت فعلی دیوان کیفری بین‌المللی به گونه‌ای که بعضی از مصادیق جرایم سازمان یافته فراملی را در بر بگیرد، وجود دارد، با اصلاح اساسنامه دیوان می‌توان بعضی از این جرایم را داخل در صلاحیت دیوان نمود؛ زیرا، ارائه طرحی برای تاسیس یک مرجع بین‌المللی برای رسیدگی به قاچاق مواد مخدر، به تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی منجر شد. بنابراین، این آمادگی ذهنی در سطح بین‌المللی وجود دارد که علاوه بر جرایم موجود، سایر جرایم علیه حقوق بشر، از جمله قاچاق سازمان یافته انسان که متضمن نقض شدید حقوق بشر است، قابلیت رسیدگی در دیوان کیفری بین‌المللی را دارا باشد.

ی) کنوانسیون اقدام علیه قاچاق انسان شورای اروپا^۱

چنان که گفته شد ماهیت غیر انسانی و پیامدهای زیانبار قاچاق انسان، به عنوان جرم فراملی، جامعه جهانی را مصمم کرد تا به جرم‌انگاری این پدیده، حمایت از بزه‌دیدگان و همکاری دولت‌ها در این مورد اقدام کنند. یکی از اقداماتی که در این راستا صورت گرفت، تصویب پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان موسوم به پروتکل پالمو^۲ است. در سطح منطقه‌ای (اروپا) نیز علاوه بر تصمیم راهبردی مبارزه با قاچاق انسان مصوب سال ۲۰۰۲ میلادی^۳، باید از تصویب کنوانسیون اقدام علیه قاچاق انسان شورای اروپا مصوب سال ۲۰۰۵ میلادی (کنوانسیون ورشو) یاد کرد که از ۱ فوریه ۲۰۰۸ میلادی لازم الاجرا شده است

1. Convention Against Trafficking in Human Beings, Council of Europe, adopted in 2005 (Warsaw Convention)
2. The Protocol to Prevent, Suppress and Punish Trafficking in Persons, Especially Women and Children, "Palermo Protocol"
3. Strategic Plan to Combat Trafficking in Human Beings adopted in 2002



(درو، ۲۰۰۹، ص ۵۰).

طرح دستورالعمل مورخ آوریل ۲۰۱۰ میلادی در مورد پیشگیری و مبارزه با قاچاق انسان و حمایت از بزه‌دیدگان، آخرین سندی است که تصویب آن، تصمیم راهبردی سال ۲۰۰۲ را نسخ می‌کند و جایگزین آن می‌شود. به اسناد مزبور باید تصمیمات و طرح‌های اقدام دیگری را نیز اضافه کرد که به ویژه در سطح اروپا تصویب و اجرا شده است. اسناد مزبور وظایف و در عین حال محدودیت‌هایی را در مبارزه با قاچاق انسان بر دولت‌ها تحمیل می‌کنند. اسناد فراملی مانند پروتکل پالرمو و به ویژه کنوانسیون اقدام علیه قاچاق انسان شورای اروپا، تدابیر حمایتی مختلفی را برای بزه‌دیدگان جرم قاچاق انسان پیش‌بینی و دولت‌ها را به پاره‌ای از حمایت‌های ضروری از بزه‌دیدگان قاچاق انسان تشویق یا متعهد کرده‌اند.

مبنای حمایت‌های یاد شده را باید در ارزش‌های حقوق بشری و انسانی و الزامات آن جستجو کرد (ماتر^۱، ۲۰۱۰، ص ۳۳). در میان اسناد فراملی، سندی که موقعیت مناسب‌تری در راستای پیش‌بینی تدابیر حمایتی حقوق بشردارانه از بزه‌دیدگان جرم قاچاق انسان دارد، کنوانسیون اقدام علیه قاچاق انسان شورای اروپاست که در مقایسه با پروتکل قاچاق انسان پالرمو از جایگاه شایسته‌تری برخوردار است و اقدامات حمایتی خاصی را برای بزه‌دیدگان پیش‌بینی کرده است که قبل از این در اسناد بین‌المللی مربوط مورد تصریح قرار نگرفته بود؛ اگرچه کنوانسیون یاد شده نیز با سطح عالی از انتظارات فاصله دارد و تمام آن‌چه که مطلوب می‌نماید، در کنوانسیون مزبور، ذکر نشده است (گالگر^۲، ۲۰۰۶، ص ۱۸۸) اما هر یک از دولت‌های عضو کنوانسیون می‌توانند در حقوق ملی خود قواعد حمایتی بیشتری را برای بزه‌دیدگان جرم قاچاق انسان پیش‌بینی کنند. اسناد اروپایی، کنوانسیون ورشو نیز، همانند پروتکل پالرمو، در بخش اول آن یکی از اهداف خود را حمایت از حقوق بشر بزه‌دیدگان قاچاق انسان معرفی و در بخش سوم طی مواد ۱۰ تا ۱۶ به اقدامات و تمهیدات مختلف حمایت از بزه‌دیدگان قاچاق انسان تصریح می‌کند. لازم به ذکر است که کنوانسیون ورشو فقط مختص کشورهای اروپایی نیست و همچنان که در ماده ۴۳ آن مقرر شده است، هر یک از دولت‌های غیر اروپایی نیز می‌توانند براساس سازوکار پیش‌بینی شده در ماده مزبور به آن ملحق شوند؛ چنان که ایالات متحده امریکا کنوانسیون مزبور را امضاء کرده است. در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپایی نیز فقط برخی کشورها مثل فرانسه، انگلیس و هلند آن را امضا و تصویب کرده‌اند (رافالی، ۲۰۰۹، ص ۲۱۳).

همچنین، در سطح اروپا، برخی از الزامات حمایتی حقوق بشردارانه را باید در معاهدات حقوق بشری مثل کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مصوب ۱۹۵۰^۴ میلادی جستجو کرد (فولمار، اتو و راب،

1. Drew

2. Matter

3. Gallagher

4. European Convention on Human Rights and Fundamental Freedoms adopted in 1950



۲۰۰۹، ص ۳۸). در اسناد مذکور، گونه‌های متفاوتی از حمایت‌ها شامل شناسایی بزه‌دیده، تأمین امنیت او، ترتیب دادن زندگی شایسته برای وی و مشارکت او در فرآیند دادرسی و جبران خسارت از وی، اشتغال، وضعیت اقامت و غیره مقرر شده است و به نظر می‌رسد کنوانسیون ورشو از این حیث جامع‌تر است.

بحث و نتیجه‌گیری

هر ساله افراد زیادی از اختلاف‌های موجود میان نظام‌های عدالت کیفری مختلف و مقرهای حقوق کیفری بین‌المللی به نفع خود استفاده می‌کنند. این موضوع موجب قربانی شدن افراد زیادی به وسیله سازمان‌های بزهکار فراملی و کسب درآمدهای بالا از طریق سوءاستفاده از قربانیان فوق شده است. یکی از این جرایم پردرآمد و کم خطر، قاچاق زنان است. سالانه هزاران هزار زن و کودک با گذر از مرزهای بین‌المللی برای مقاصد، همچون بهره‌کشی جنسی و اقتصادی جابه‌جا می‌شوند و این روند در سال‌های اخیر شکل منسجم‌تری از نظر محتوا و فراوانی غیر قابل تصویری از نظر کمیت پیدا کرده است.

امروزه، قاچاق انسان به عنوان یک جرم سازمان‌یافته، به کانون مهم نقض حقوق بشر افراد تبدیل شده است. این جرم که اغلب به صورت فراملی ارتکاب می‌یابد، نظم عمومی حاکم بر جامعه بین‌المللی را نیز بر هم می‌زند؛ زیرا افزون بر این که ارتکاب هر جرمی در سطح بین‌المللی موجب بر هم خوردن نظم جهانی می‌شود، قاچاق زنان به دلیل عبور از مرزهای بین‌المللی آثاری مخرب بر بافت‌های فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی جوامع مختلف دارد. نفوذ گروه‌های بزهکاری سازمان‌یافته در ارکان و سطوح بالای تصمیم‌گیری سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورها، موجب تضعیف حاکمیت قانونی آنان می‌شود؛ از طرف دیگر، منافع عظیم گروه‌های مذکور که از ارتکاب جرم حاصل می‌شود و در بازارهای جهانی تطهیر می‌شود، سیستم مالی و اقتصادی جهانی را تهدید می‌کند. آثار اقتصادی جرم سازمان‌یافته به دلیل پدیده جهانی شدن از مرزهای کشورهای درگیر فراتر رفته، اقتصاد کل جهان را درگیر خواهد کرد. به همین لحاظ، کشورها، بدون توسل به حرب‌های تعقیب بین‌المللی در مبارزه علیه این جرایم، با شکست مواجه خواهند شد.

ابعاد حقوق بشری قاچاق انسان موجب شده است تا مهمترین اسناد فراملی مربوط مانند پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان پیوست کنوانسیون جرایم سازمان‌یافته فراملی سازمان ملل متحد مصوب ۲۰۰۰ میلادی (پروتکل پالمو) و کنوانسیون اقدام علیه قاچاق انسان شورای اروپا مصوب ۲۰۰۵ میلادی (کنوانسیون ورشو)، وظایف و محدودیت‌هایی را بر دولت‌ها تحمیل و مبارزه مؤثر آن‌ها را در پرتو اهتمام به سه راهبرد پیشگیری، جرم‌انگاری و حمایت از بزه‌دیده معرفی کنند. اسناد فراملی مزبور، به گونه‌های متفاوتی به تدابیر حمایتی برای بزه‌دیدگان جرم اشاره کرده‌اند؛ از جمله باید از تدابیری یاد کرد

که بهبود جسمی، روانی و اجتماعی بزهدیدگان را هدف قرار می‌دهد: تأمین مسکن و پناهگاه مناسب و امن، اجازه‌ی اقامت، آموزش‌های حرفه‌ای و اشتغال و برنامه‌های توانبخشی، ارائه خدمات پزشکی و روانشناختی، ارائه اطلاعات، مشورت و نمایندگی حقوقی، خدمات ترجمه، عدم مجازات بزهدیده به دلیل جرایمی که در فرایند قاچاق زنان مجبور به ارتکاب آن بودند، از مهمترین اقدامات و تدابیر حمایتی است که سزاوار است بزهدیدگان جرم سوداگری انسان از آن‌ها برخوردار شوند.

در مقام مقایسه کنوانسیون اقدام علیه قاچاق انسان شورای اروپا، نسبت به پروتکل پالمو از موقعیت والاتری برخوردار است؛ زیرا تدابیر حمایتی بیشتری مثل دوره‌ی بهبودی برای تمامی بزهدیدگان قاچاق انسان و اجازه‌ی دسترسی به بازار کار برای بزهدیدگانی که اجازه‌ی اقامت تحصیل می‌کنند، پیش بینی کرده است. از طرف دیگر، امروزه، نارسایی نظام کیفری موجود در جهان در زمینه تحقیق، تعقیب و رسیدگی به جرایم سازمان یافته فراملی مشهود است. به همین دلیل، بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در پروتکل مبارزه با قاچاق انسان و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، راه‌حل‌های مورد نیاز برای چیره شدن بر مشکلات موجود و بهترین حربه‌های در دسترس فعلی برای مبارزه با بعضی از مظاهر جرایم سازمان‌یافته فراملی، به ویژه قاچاق انسان هستند. زیرا تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی نتیجه تلاش‌هایی است که با محوریت سازمان ملل در رابطه با حفظ حقوق بشر و واکنش مناسب در قبال نقض آن به عمل آمده است. این سند و کنوانسیون پالمو یک سیستم با آسیب پذیری کمتر را در برابر تهدیدات و انحرافات ایدئولوژیکی گروه‌های جنایت کار ایجاد کرده اند و گام‌هایی نیز به سوی ایجاد یک سیستم عدالت کیفری بین‌المللی برداشته‌اند، که در آن حاشیه امنی برای کسانی که مرتکب جرم سازمان‌یافته می‌شوند، وجود ندارد.

بنابراین، لازم است جنایات علیه بشریت به شرح مندرج در ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به گونه‌ای تفسیر شوند که شامل موارد مهم قاچاق انسان که به وسیله سازمان‌های تبهکار ارتکاب می‌یابند نیز شوند؛ زیرا قاچاق انسان، به ویژه قاچاق زنان و کودکان به طور قطعی یک جرم علیه حقوق بشر است که ارتکاب گسترده و سیستماتیک آن از نظر آثار، دست کمی از سایر جرایم علیه بشریت ندارد؛ از این رو، می‌تواند مشمول صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی قرار گیرد.

البته، همه موارد قاچاق انسان به طور ضروری جرم علیه بشریت نیستند، بلکه فقط موارد بسیار شدید و بی‌رحمانه و نظام‌مند قاچاق انسان‌ها به شرط مرتبط بودن با سیاست دولتی با رویه‌ای که به وسیله عدم اقدام عمدی دولت در اقدام علیه قاچاق انسان آشکار می‌شود، می‌تواند مشمول ماده ۷ اساسنامه باشد. این واقعیت را هم نباید از نظر دور داشت که خطر تعمیم جنایات علیه بشریت به قاچاق انسان، این است که این جرم را به طور گسترده‌ای پیچیده و مبهم می‌کند. همچنین، بر اساس مقررات فعلی و فضای سیاسی موجود، بعید است که قاچاق ارتکاب یافته به وسیله سازمان‌های تبهکار برای رسیدگی نزد دیوان کیفری بین‌المللی مطرح شود، زیرا



تصور این امر که کشور امضا کننده‌ای از کشورهای عضو دیوان کیفری بین‌المللی، نمونه‌های جاری قاچاق آن را آن قدر شدید تصور کند که تقاضای دخالت دادستان دیوان کیفری بین‌المللی را بنماید، مشکل است. به علاوه، شرایط مندرج در ماده ۷ اساسنامه نیز آن قدر سخت‌گیرانه تنظیم شده است که به علت دشواری جمع‌آوری دلایل برای اثبات ارکان اصلی جرایم علیه بشریت، بسیاری از موارد قاچاق انسان، نزد این نهاد بین‌المللی به آسانی قابل تعقیب نیستند.

اما به هر حال، آن‌گونه که تجربه برگزاری دادگاه‌های رواندا و یوگسلاوی سابق^۱ نشان می‌دهد، موارد بسیاری از قاچاق انسان وجود دارد که نزد محاکم بین‌المللی مطرح شده‌اند. بنابراین، جای این امیدواری هست که جامعه بین‌المللی دوباره به همین سبک عمل کند و موارد مشابه آن‌چه در رواندا و یوگسلاوی سابق اتفاق افتاد را نزد دیوان کیفری بین‌المللی مطرح نماید؛ با توجه به مباحث بالا اصلاح اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز که بستر آن در خود اساسنامه فراهم شده است، راه‌حل اساسی برون رفت از مشکلات فعلی جامعه جهانی در مبارزه با قاچاق انسان به ویژه قاچاق زنان است.

بر پایه‌ی یافته‌ها و نتایج به‌دست آمده، مهمترین پیشنهادات کاربردی پژوهش به شرح زیر است:

- ۱- اولین گام در مبارزه با قاچاق زنان تصویب قوانین مستقل و سخت‌گیرانه در خصوص انواع قاچاق زنان است که مستلزم اهتمام جمعی کشورها در سطح بین‌الملل است
- ۲- می‌بایست اعتماد بزهدیدگان قاچاق جهت همکاری آن‌ها با مقامات جلب گردد؛ برای این کار باید سیاست‌هایی اتخاذ گردد تا بر اساس آن‌ها، با بزهدیدگان به صورت شهود بالقوه، نه مجرم رفتار شود. اگر زنان به حمایت قانونی اعتماد داشته باشند، زمینه فرو رفتن در بردگی و ارتکاب بزهدکاری برایشان کاسته می‌شود. بنابراین، جهت تحقق این امر می‌بایست تلاش کرد تا تمامی مجازات‌های مربوط به افراد قاچاق شده در تمام اشکال آن حذف شود. همچنین، باید تلاش نمود تا فعالیت گروه‌های بشردوستانه بر علیه این تجارت، یکنواخت و یکدست باشد.
- ۳- از آن‌جا که قاچاق زنان در سطح بین‌المللی انجام می‌گیرد، ضروری است دولت‌ها با همکاری یکدیگر با این معضل برخورد کنند. لازمه‌ی این کار عمل به توافقات بین‌المللی و پیش‌بینی ضمانت اجرای این قوانین است.
- ۴- با افزایش آگاهی قربانیان بالقوه در مورد سوء استفاده‌های قاچاقچیان از زنان، و اطلاع‌رسانی درباره تاکتیک‌های جنایتکاران و قاچاقچیان و مخاطرات قاچاق برای زنان، یکی دیگر از شیوه‌های پیشگیری از این جرم به حساب می‌آید. بدین منظور با برگزاری سخنرانی‌ها و چاپ بروشورها و اطلاعیه‌هایی در این راستا و انتشار آن‌ها در مدارس دخترانه و در بین خانواده‌ها و ارائه اطلاعات لازم به مردم در مورد پیامدهای

1. Rwanda and Yugoslav

- سوء قاچاق زنان و کودکان، می‌تواند این تأثیرات سوء را کاهش داد.
- ۵- دولت‌ها بایستی تلاش روز افزون و جامع در بازپروری بزه‌دیدگان قاچاق مبذول دارند. برای تحقق این امر می‌توان با انجام مشاوره، بازپروری و توانمندسازی بزه‌دیدگان و ارائه پاره‌ای آموزش‌های دیگر، به بازسازی روحی، روانی و ایجاد امید و ثبات در آن‌ها پرداخت.
- ۶- بایستی به پلیس، قضات، مسئولان اداره مهاجرت، کنسولگری‌ها و سفارتخانه‌ها جهت برخورد با قاچاقچیان، حمایت و کمک به بزه‌دیدگان قاچاق و شناسائی موقعیت‌های قاچاق و بزه‌دیدگان احتمالی آن، آگاهی‌های لازم ارائه گردد.
- ۷- با توسعه مطالعات مربوط به رفع عوامل فقر از زنان، و همچنین ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای بانوان، می‌توان از بروز ناهنجاری‌های اجتماعی نظیر قاچاق زنان جلوگیری کرد. با اشتغال‌زایی برای زنان و ارائه جایگزین‌های اقتصادی در مقابل ترک کشور، انگیزه آن‌ها را به مهاجرت کاهش می‌یابد.
- ۸- با افزایش مجازات قاچاق زنان و کودکان، از قبیل مصادره کلیه اموال قاچاقچیان، حتی مصادره اموال بعضی از بستگان نزدیک آن‌ها و مجازات حبس طولانی، به مبارزه قاطع با چنین اعمالی پرداخت. همچنین، می‌توان با تشدید اقدامات امنیتی در مرزهای کشور از قاچاق زنان به کشورهای همسایه ممانعت به عمل آورد و با تشدید فعالیت سازمان مبارزه با قاچاق در تمامی مرزهای زمینی و دریایی کشور و ایجاد کمیته بین‌المللی مبارزه با قاچاق انسان‌ها با این جرم بین‌المللی مقابله نمود.

منابع

- آری، علی؛ میرسعید قاضی، علی. (۱۳۷۵). سند چهارمین کنفرانس جهانی زن کار پایه عمل و اعلامیه پکن. تهران، ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده.
- ابراهیمی منش، مهران؛ صفاری، علی. (۱۳۹۶). تکالیف داخلی دولت‌ها در زمینه پیشگیری از قاچاق زنان و کودکان در کنوانسیون پالمو. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم. ۱۲ (۴۵). صص ۹-۳۱. قابل بازیابی از: <http://www.magiran.com/magtoc.asp?mgID=6128&Number=45>
- افروغ، عبدالمحمد؛ زارعی، مصطفی. (۱۳۹۴). بررسی پدیده قاچاق انسان در قوانین ایران و حقوق بین‌الملل و تأثیر متقابل مهاجرت بر آن، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس. شماره ۲۴. صص ۸۶-۱۱. قابل بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1103384/pdf>.
- السان، مصطفی. (۱۳۸۴). قاچاق زنان و کودکان برای بهره‌کشی جنسی (از منع جهانی تا حمایت از بزه‌دیدگان). فصلنامه رفاه اجتماعی. ۴ (۱۶). صص ۳۲۹-۳۶۴. قابل بازیابی از: <https://www.sid.ir/FileServer/JF/62113841611.pdf>
- امیریان فارسانی، امین؛ رئیسی، مزده. (۱۳۹۵). قاچاق سازمان‌یافته زنان و پیامدهای ناشی از آن. پژوهشنامه حقوق بشری (فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان سابق). شماره ۶ صص ۵۲-۷۴. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/file/download/article/20170422081458-10062-28.pdf>
- بیابانی، غلامحسین. (۱۳۹۰). سازمان‌های جنایی و قاچاق زنان (راهکارهای مبارزه با آن). فصلنامه نظم و امنیت انتظامی. ۱ (۴). صص ۲۵-۵۴. قابل بازیابی از: <https://www.sid.ir/FileServer/JF/4002013900102>



- بیگی، جمال. (۱۳۸۹). راهبردهای حمایتی سازمان ملل متحد، ایران و اسلام در تامین امنیت بزه‌دیدگان و شهود قاچاق انسان. نشریه فقه و حقوق اسلامی. (۱)۱. صص ۲۵-۵۹. قابل بازیابی از:
<http://ensani.ir/file/download/article/20160626142247-10058-2.pdf>
- شبت، ویلیام.ا. (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی. (ترجمه سید باقر میرعباسی و حمید الهوتی نظری)، تهران: انتشارات جنگل.
- صادقی فسایی، سهیلا؛ عرفان منش، ایمان. (۱۳۹۴). مبانی روش شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی مورد مطالعه: تاثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی. فصلنامه راهبرد فرهنگ. شماره ۲۹. صص ۹۶-۶۱ قابل بازیابی از:
<http://ensani.ir/file/download/article/20160109085001-9798-117.pdf>
- عالی پور، حسن. (۱۳۸۸). قاچاق زنان بزه‌ی بر ضد کرامت زنان. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان. ۱۲ (۴۵). صص ۱۸۶-۱۴۳. قابل بازیابی از:
http://www.jwss.ir/article_45200_82d092315319c0a869b456bc98eb0323.pdf
- عطارزاده، سعید. (۱۳۹۳). بررسی فقهی حقوقی مقابله با قاچاق زنان با نگاهی به اسناد بین‌المللی. فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب. ۱ (۱). صص ۱۵۸-۱۲۷. قابل بازیابی از:
http://csiw.qom.ac.ir/article_560_948dea6553b76e4a6ab8317d91e97cc4.pdf
- عینی، محسن. (۱۳۹۰). حمایت از بزه‌دیدگان جرم قاچاق انسان در اسناد فراملی. فصلنامه مطالعات حقوقی شیراز. ۳ (۲). صص ۱۳۹-۱۳۳. قابل بازیابی از:
<https://www.sid.ir/FileServer/JF/4012613900505>
- فروغی، یاسر. (۱۳۹۰). قاچاق انسان یا برده‌داری مدرن؛ علل و آسیب‌ها. فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس. شماره ۶ صص ۱۲۹-۹۹. قابل بازیابی از:
<http://www.magiran.com/view.asp?Type=pdf&ID=1181932&I=fa>
- کلانتری، کیومرث؛ زارعی، محمد. (۱۳۸۹). قاچاق زنان به قصد فحشا (از منظر فقه جزایی و حقوق کیفری). فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی. ۲ (۲). صص ۱۵۲-۱۲۳. قابل بازیابی از:
<http://ensani.ir/file/download/article/20121212124540-9580-6.pdf>
- کولایی، الهه. (۱۳۸۶). عوامل و انگیزه‌های قاچاق انسان (با تاکید بر آسیای مرکزی). فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. ۳۷ (۴). صص ۱۷۰-۱۵۳. قابل بازیابی از:
<https://www.sid.ir/FileServer/JF/71613860407>
- گلان، گرد هاردفن. (۱۳۷۹). حقوق میان دولت‌ها، درآمدی بر حقوق بین‌الملل عمومی. ترجمه محمد حسین حافظیان، جلد دوم، تهران: نشر میزان.
- گلدوزیان، ایرج؛ پورابراهیم، احمد. (۱۳۹۱). بررسی قاچاق زنان در اسناد بین‌المللی و حقوق جزایی ایران. فصلنامه مطالعات پلیس زن. شماره ۱۷. صص ۱۴۱-۱۰۹. قابل بازیابی از:
<https://www.sid.ir/FileServer/JF/10000613911705>
- مصطفی پور، کمال. (۱۳۸۹). حقوق زنان. اسناد بین‌المللی، موضع ایران.
- میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۷۷). حقوق جزای بین‌الملل (مجموعه مقالات). چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- نوبهار، رحیم. (۱۳۸۵). قاچاق زنان برای روسپیگری از منظر آموزه‌های اسلامی با نگاه به مقررات بین‌المللی و حقوق ایران. پژوهش‌های حقوق تطبیقی. (۳). صص ۲۲۰-۱۸۷. قابل بازیابی از:
<https://www.sid.ir/FileServer/JF/53413854708>
- Bertone, A. M. (1999). Sexual trafficking in women: International political economy and the politics of sex. *Gender Issues*. 18(1), pp 4-22. Retrieved from: <https://link.springer.com/article/10.1007/s12147-999-0020-x>
- Drew, S. (2009). Human trafficking-human rights: Law and practice. Legal Action Group.
- Farrior, S. (1997). The international law on trafficking in women and children for prostitution: Making it live up to its potential. *Harvard Human Rights Journal*. 10, pp 213-55. Retrieved from: <https://www.ssrn.com/abstract=886444>

- Follmar-Otto, P., & Rabe, H. (2009). Human trafficking in Germany: strengthening victim's human rights. (p. 96). DEU.
- Gallagher, A. (2006). Recent legal developments in the field of human trafficking: A critical review of the 2005 European convention and related instruments. *European Journal of Migration and Law*. 8(2), pp 163-189. Retrieved from: <https://www.ssrn.com/abstract=954441>
- UNODC. (2018). *Global Report on Trafficking in Persons*.
- Hodge, D. R. (2008). Sexual trafficking in the United States: A domestic problem with transnational dimensions. *Social Work*. 53 (2), pp 143-152. Retrieved from: <https://www.researchgate.net/00b7d5325ce8f1282b000000.pdf>
- Matter, M, (2010). *Combating trafficking in persons in accordance with the principles of Islamic law* United Nations. New York.
- Piotrowicz , R. (2009). The Legal Nature of Trafficking in Human Beings. *Intercultural Human Rights Law Review*. vol 4 , pp. 175-203. Retrieved from: https://link.springer.com/content/pdf/10.1007%2F978-3-030-02659-2_9.pdf
- Raffaelli R, (2009). The European Approach to the Protection of Trafficking Victims: The Council of Europe Convention, the EU Directive, and the Italian Experience. *German Law Journal*. 10(3), pp 205–222. Retrieved from: <http://www.germanlawjournal.com/volume-10-no-03>
- Schloenhardt, Andreas (2005). Transnational organized crime and the International Criminal Court developments and debates. *University of Queensland Law Journal* 24 (1), pp 93-122. Retrieved from: <http://www.law.uq.edu.au/uqlj>
- Shelley, L. (2010). *Human trafficking: A global perspective*. Cambridge University Press.
- Smith, H. M. (2011). Sex trafficking: Trends, challenges, and the limitations of international law. *Human Rights Review*. 12(3), pp 271-286. Retrieved from: DOI 10.1007/s12142-010-0185-4
- Organization for Security and Co-operation in Europe (OSCE). (1999). *Trafficking in Human Beings: Implications for the OSCE*. Background paper published for the OSCE Review Conference, (September 1999).